



۲۰۱۹/۰۸/۱۳

عارف عباسی

نباید بیش از این خود را فریب داد!



هم وطن محترم!

مطالبی را که در این صفحه به خدمت شما تقدیم می‌نمایم بر بنیاد تعقیب پیهم موضوع صلح و مذاکرات مربوط به آن بوده و بررسی تبصره‌های منابع خبری مختلف است که اساس و بنیاد ساختار عقیده شخصی مرا می‌سازد، که هرگز به صائب بودن آن اصرار نه ورزیده و هیچ هم وطنی را مجبور به قبول آن نساخته آن را بر کسی تحمیل نمی‌کنم. ولی نظر خود را که مولود کنار هم ماندن واقعیت‌ها است، به حیث یک موضوع حاد ملی گره خورده به سرنوشت وطنم و سی و شش میلیون باشنده آن است (البته به زعم خودم)، برای ابراز نظر شما و آموختن بیشتر در این صفحه باز تاب می‌دهم.

با توظیف زلمی خلیلزاد به حیث قاصد صلح حکومت امریکا، نزد من، به حیث یک افغان کنجکاو، پژوهنده و جوینده با آگاهی جریانات سطح آب بحر سیاسی، نه عمق و ژرفنای آن، و شناخت نسبی از این دیپلمات افغان الاصل امریکایی، سوابق و کارنامه هایش و سوسه‌ها، تشوشات، شک و تردیدی وجود داشت.

در تبارز این احساس، محتاطانه سعی می‌ورزیدم که از خویشتن داری کار گرفته نشود که پنداری بیافرینم که مرا تضادی با صلح است و یا مخرب صلح.

عضوی را نی، بلکه روزگار هژده سال است که وطنم و هموطنانم را در کوره‌های آتشین جهنم یک جنگ تحمیلی می‌سوزاند. پس این فاجعه دنباله دار بشری کدام افغان با درد و با احساس و با وجدان را در هر کجای گیتی که زیست دارد آرام و بی تفاوت می‌گذارد.

اگر من صلح و پایان جنگ نخواهم نشاید که نامم نهند آدمی.

این که خواندم که امریکا برای ختم جنگ و آوردن صلح حاضر شده جرقه امید در دل و دماغ پدیدار گشت و آن را به نیکویی استقبال نمودم، البته توقعات و انتظارات من از نائل شدن به صلح عادلانه و پایدار از میلیون‌های دگر متفاوت نبود. و مفهوم صلح و ختم جنگ به وضاحت نزد همه به سادگی پیدا بود طرفین جنگ کی‌ها اند و برای صلح دور میز مذاکره باید جوانب شامل جنگ باشد.

از لحاظ قدرت مالی و نظامی امریکا، به مقایسه طالب مسلماً در موقف قوی تر است، از دید منطقی حاضر شدن یک مملکت با چنین قدرت برای مذاکره با یک گروه ملیشه باید توأم با شرایط خاص می بود.

عملی ساختن آتش بس به طور قطع به حیث یک پیش شرط اساسی باید قبل از جریان مذاکرات وضع می شد (به باور من).

امریکا تضمین می کرد که سر از یک تأریخ معین قوایش بر طالبان حمله نمی کند و به دولت افغانستان هم توصیه می نماید که هم زمان فعالیت های نظامی خود را علیه طالبان متوقف سازد و طالبان بالمثل در زمان معین آتش بس را قبول و عملی سازند که این توافق شرط اساسی و گام نخستین برای شروع مذاکرات و کسب اعتبار و اعتماد به مذاکرات صلح می بود.

خلیلزاد در مذاکرات مقدماتی با خوشنودی از توافق روی دو موضوع یاد نمود.

یک - طالبان تعهد سپرده اند که خاک افغانستان (با مناطق تحت تصرف شان) مرکز فعالیت های تروریستی بین المللی قرار نگیرد.

دو- امریکا روی تقسیم اوقات خروج نیرو های خود توافق نموده.

من و ملیون ها افغان آرزومند صلح و پایان جنگ و توقعات خوش بینانه خود را در این دو ماده نیافتیم.

بعد از گذشت زمانی خلیلزاد از پیشرفت و موفقیت دیگر خود مژده داد که دو ماده دیگر در توافقنامه افزوده شد.

سه - مذاکرات بین الافغانی.

چهار - آتش بس.

ما و شما از نتایج مذاکرات بین الافغانی، دو در ماسکو، و یکی در دوحه باخبریم که قطعاً دست آوردی نداشت.

از بیانات چند روز قبل خلیلزاد قبل از رفتنش به دهلی من چنین استنتاج می نمایم که خلیل زاد هدف امریکا را در همان دو ماده اول توافق نامه بر آورده ساخته و موضوع آتش بس، ادغام ۴۵۰۰۰ جنگجوی طالب در جامعه افغانستان، چگونگی و ساختار سیاسی دولت آینده افغانستان مربوط خود افغان ها است که در مجالس آینده بین الافغانی مورد مذاکره قرار گیرد، که هر افغان مطلع و آگاه از احوال کنونی وطن نیک می دانند که این راهی است به سوی ترکستان انجامیده و عملی و منطقی به نظر نمی رسد.

طالبان از مذاکره مستقیم با حکومت افغانستان تا خروج کامل قوای خارجی اباء ورزیده و امروز طی اعلامیه از فعالیت های تخریبی خود علیه انتخابات اعلام نمودند.

لطفاً موفقیت های مذاکرات بین الافغانی را در خلال تهاجمات و حملات انتحاری روزمره طالبان ارزیابی نموده و مؤثریت آنرا در حل موضوعات حاد ملی چون آتش بس و تشکل دولت آینده قضاوت کنید.

هموطن عزیز!

خلیلزاد وظیفه ای که به او سپرده شده بود انجام داد. من و تو خوش باور و ساده دل بودیم که گفتیم که یار قدیم باز در این بزم شد پدیدار، و نه فهمیدیم که او همان است که بود بلا آفرین و مصیبت آور، یک امریکایی است با وظایف و دستورات خاص خلیلزاد، از نگاه ما افغان ها، یک ساختمان عظیم کانکریتی را بر تهداب خشت خام بنا نهاد. در حالی که طالب در موقفی نیست که اگر احیاناً داعشی وجود داشته باشد آن را محو کند و با القاعده از سر ستیز برآید. در آخرین ویدیوی منتشره خود القاعده اظهار داشت مجاهدین ما در نبرد طالبان برای اعاده قدرت شان و احیای امارت اسلامی هم سنگر اند.

خلیلزاد قبل از آغاز این دور مذاکرات گفت که ما یک توافق نامه "Good Agreement" را امضاء خواهیم کرد، اما این توافق نامه "خوب" معلوم نشد. همچنان قبل از پرواز سوی دهلی فرمودند "در مذاکرات پیش رفت های عالی Excellent Progress رونما شده که از توضیح جزئیات خود داری کردند « المعنى فى البطن قاصد».

خلاصه مطلب:

- امریکا عساکر خود را بیرون می سازد، چگونه و تحت کدام شرایط معلوم نیست.
 - طالبان به وساطت پاکستان و تضمین سعودی به ملیشه امریکایی تبدیل شده از منافع امریکا صیانت می کند.
 - طالبان تحت نام امارت اسلامی افغانستان به قدرت می رسند.
 - طالبان همگون به امارات و شیخ نشین های خلیج و سلطنت سعودی شریعت اسلامی را خط مش خود قرار داده ملت را در مجموع و بطور مشخص طبقه انات را در اسارت می گیرد.
- آیا شما فکر میکنید که امریکا در مقابل دولتمداری طالبان و محروم ساختن زنان از حقوق مدنی شان خمی بر ابرو خواهد آورد؟ با ذکر دو دو مثال، بحث را پایان می بخشم.

■ اول - آیا فراموش کردید که امریکا در تنور آتشین به پا خیزی ملت افغان ها علیه شوروی نان جوهره یی مرام خود را با خون و ویرانی افغانستان پخت و مجاهدین را رزمندگان آزادی خواند. و لشکری از تندروان دینی شرق میانه و شمال افریقا بیاراست و در کارزار افغانستان علیه شوروی گسیل نمود. استنگر بر شانه مجاهد ماند و کمر قدرت هوایی شوروی درهم شکست و شوروی را از لحاظ اقتصادی و سیاسی ورشکست نمود. ولی در پایان کار با حصول منظور خود از درب معامله پیش آمده توسط اجیران خود مصونیت خروج عساکر شوروی را فراهم آورد.

با ورود سران تنظیمی و جنگهای قومی و فرقه‌ای و تبدیل شدن کابل به جوی بار خون و به خاک یک سان شدن شهر کابل و قتل عام ۶۵۰۰۰ مردم بی گناه امریکا چه کرد؟

حتی نامی از افغانستان نگرفته برای پنج سال با نهایت بی تفاوتی در برابر فجیع ترین جنایات علیه بشریت موقوف بی تفاوتی گرفت. حتی عروج طالبان و تمام اعمال و کردار شان را تا یازده سپتمبر ۲۰۰۱ اغماض نمود. این خود یک درس تأریخی است.

■ دوم - "دونالدترمپ" در اوائل حکومت خود ضمن توضیح سیاست خارجی اش، مساعی دولت سازی امریکا را برای ممالک دیگر شدیداً مورد انتقاد قرار داد. و گفت این کارما نیست که راه و روش و خواسته های خود را بر دیگران تحمیل نموده هر کشوری حق دارد که نظام دل خواه خود را برگزیند.

لذا بر اساس توضیحات فوق امریکا در صدد رسیدن به هدف مطلوب خود است و در قید آن نیست که افغانستان جمهوریت دموکراتیک خواهد بود و یا امارات اسلامی.

پایان

تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نبشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده معزز را مطالعه کنند، می توانند با "کلیکی" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به "آرشیف" شان رهنمائی شوند.



نباید بیش از این خود را فریب داد!

A_abssi_۲۸_nabaayad_khod_raa_freb_daad.pdf